



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۶/۰۸/۱۳

ملالی موسی نظام

امکانات حالت اضطرار در شرایط جدید

برادر دانشمند، آقای ف. هیرمند،

بعد از عرض سلام و احترامات، بدون اغراق هر مضمون تحلیلی سیاسی و حقوقی شما برای من دلچسپ و نهایت معلوماتی است که خود به آن واقفید، این نوشته اخیر را که در مورد چگونگی «حالت اضطرار» بیان داشته اید، به ذات خود نه تنها آموزنده است، بلکه حالات و شرایط جدیدی را که جوامع اخیراً با آن از روی ناچاری روبرو می باشند، همه را تشریح و بیان داشته اید؛ طوریکه در دنیای امروز و حوادث کاملاً غیر مترقبه، دول «ناچار» به رجوع به برقراری «حالت اضطرار» میگردند.

از شرایط مقیدی که کودتا ها در اجتماع ایجاد می نمایند بگذریم، حملات ددمنشانه گروپ های افراطی دهشت افکنان در هر گوشه ای، دیگر مجالی برای حفظ ماتقدم باقی نمی گذارد، طور مثال همین حمله اخیر در «نیس» که مرد جوان منکر از انسانیت، با بتکار عجیبی یک موتر باربری بزرگ را وسیله کشتار بیگناهان، اطفال معصوم و آنانی ساخت که هرگز نمی شناخت و دقیقاً زمانی را انتخاب نمود که جمیعت بزرگی به شادمانی برای برگزاری جشن ملی فرانسه اجتماع نموده بودند. حال در برقراری یک «حالت اضطرار» حتی کوتاه که چنان شرائطی ایجاب مینمود، دولت و قوای امنیتی با استیصال مواجه میگردد، بدین معنی که نمیداند که چنین یک عملی زاده مغز یک نفر بوده یا یک جمیعت خرابکاران تروریست؟ قدم بعدی چه است؟ آیا تکرار صورت خواهد گرفت، طوری که در سال های اخیر حادثه پاریس واقع شده است، چه نوع قیودی را باید برای حفظ مردم و محیط باید ابتیاع نمود؟

پس می بینیم که در شرایط تغییر اوضاع نسبت به زمانی که میثاق ها و قوانین نظر به ایجابات همان عصر بوجود آمدند، حالات امنیتی در جهان روز به روز نه تنها ایجاب انواع دیگر اقدامات اضطراری را می نماید، بلکه باید در مورد اخذ تصمیم گیری هم به مقامات مسئول پایین رتبه اختیاراتی مطابق نحوه خطرات امروزی که بوجود می آید، داده شود، زیرا دیده میشود که با حملات و کشتار های بیدریغ دسته جمعی، باید اقدامات عاجل و بدون وقفه صورت گیرد که وضع نحوی از قیود را بر اهالی و محیط در تعیین یک «حالت اضطرار» خاص فوری را ایجاب می نماید.

البته طوریکه تشریح فرموده اید، در پهلوی حدود قوانین و مقررات، امر و هدايات فوری آمران قوه اجرائیه که در حالاتی کاملاً از حدود صلاحیت های خویش هم تجاوز می نمایند و مخصوصاً در رژیم های دکتاتوری ما و

شما ادعای «دولت من هستم» را زیاد تجربه نموده ایم، ولی در همین ممالک دیموکراسی هم با حالات دهشتبار غیر منتظره روز افزون، تصمیم گیری فوری، قسمتی از اختیارات را «باید» به مجریان و مسئولین مادون برای برقراری امنیت، داده شود که اکثراً تعیین حدود آن به استثنای چند فقره، مشکل به نظر می آید.

بلی برادر ارجمند، آنچه را هم که در مورد در حالات سرزمین جنگ زده ویران ما و شما که درین چهل سال اخیر مردم بینوا و مظلوم آن در خون و آتش و بی سرنوشتی غرق هستند، به نهایت دقت و توجه ارزیابی و تشریح فرموده اید، یک به یک حقایقست تلخ و نومید کننده. بلی «حالات اضطراری» را که نظر به اصول و شرایط آن که حتی بسیار واضح و علنی در قانون اساسی اخیر افغانستان و مقررات وابسته به آن موجود است، طوری که تحریر شده، در شرایط امروز مملکت نمی شود عملاً وفق داد، یعنی که در صورت پذیرفتن آن، باید هر روز در سراسر مملکت حالات گوناگون «اضطراری» بر قرار گردد.... در کابل با برقراری مظاهره ای که از ایران آب میخورد، ۸۴ بیگناه؛ اکثراً جوان و صد ها مجروح در خون و آتش غوطه می خورند.... در هلمند که در ورطه سقوط بدست طالبان و مداخله مستقیم پاکستان قرار دارد.... در جنوبی که نزدیک به صد نفر عسکر جوان اردو در اسارت دهشت افغانان و در شرایط دشوار قرار داشته و زنده و زخمی و مرده آنان معلوم نیست و شاهراه شمال به کابل به همین مناسبت، مسدود گردیده است.... در قندوز که کنترل مناطق اطراف واضح نشده که تا چه حد از دست رفته.... در نورستان تعداد ولسوالی هایی که در دست طالبان افتاده، بسیار است.... در.... در!

بلی، آنچه را در مورد «حالت اضطرار» در مجموع و نهایت خردمندانه و آموزنده تشریح نموده اید، در شرایط موجوده و رو به ویرانی افغانستان عزیز و بی مسئولیتی حکومتات و فساد اداری و عدم مراعات قانون، باید به پهنای سرحدات ما با نبود امنیت دایمی باشد که عملاً ممکن نیست، چون با روز بدتری و عدم وجود حد اقل ثبات منطقوی، گویا همانطور که بیان داشته اید، سرنوشت این ملت را با جنگ و خون ریزی پیوند نموده اند. یعنی که گلیم بخت ملت ما را سیاه بافته اند که با زمزم و کوثر سفید نمیگردد. هیئات.

مضمون ارزشمند شما را برای تعداد زیادی از دوستان فرهنگی ارسال داشتم تا از سطور آموزنده آن استفاده اعظمی بنمایند. با عزت باشید.